«لوگارد»، رییس اسبق موسسه تحقیقات خلع سلاح سازمان ملل متحد:

موضع‌گیری «آژانس» درباره ایران مستند به بازرسان باشد نه جاسوسان

شرق، مجتبی فتحی، زهرا رحیمیه، مردی است از تبار وایکینگ‌ها، بر خلاف نیاکانش اما نه تندخوست و نه جنگ‌طلب؛ صلح‌دوست و مخالف جنگ است؛ از هر نوع آن، با هر سلاحی. برایش هم فرقی نمی‌کند که این جنگ و درگیری کجا باشد؛ در آفریقا یا در آسیا. در خاور دور یا خاورمیانه. به همین دلیل عمر خود را برای برقراری صلح، امنیت و خلع سلاح گذاشته است؛ در سراسر جهان؛ از جولانی تا هم‌اکنون که گرد پیری بر سر نشانده. «سور لوگارد» ۶۷ساله نروژی، فارغ‌التحصیل رشته علوم سیاسی از دانشگاه اسلو است. از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۶ مدیر مطالعات امنیت و خلع سلاح اروپا بود. پس از آن به عنوان رییس در موسسه تحقیقات صلح اسلو (از ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۲) منصوب شد. طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ رییس موسسه تحقیقات خلع سلاح سازمان ملل متحد بود و از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۷ ریاست موسسه امور بین‌الملل نروژ (نوپی) را بر عهده گرفت. در نهایت هم سال ۲۰۰۷ برای طی دوران بازنشستگی از این سمت استعفا داد. با این حال برای او صلح، امنیت و خلع سلاح جهانی موضوعی نبوده و نیست که بتواند به بهانه بازنشستگی از آن دور شود. بر این اساس از آن سال تاکنون به عنوان محقق در موسسه امور بین‌الملل نروژ (نوپی) مشغول به کار است. در همین دوران نیز آخرین کتاب خود را با عنوان «خلع سلاح و منع گسترش سلاح هسته‌ای» به رشته تحریر درآورد و آن را در ژانویه سال ۲۰۱۱ توسط انتشارات روتلج بریتانیا وارانه بازار کرد. «لوگارد» یک شخصیت بین‌المللی است با دیدگاه‌های بین‌المللی. ایران را خوب می‌شناسد و حواشی آن را با دقت دنبال می‌کند؛ خصوصا حاشیه‌های حول محور برنامه هسته‌ای. تاکنون نیز چندین مقاله و یادداشت در این باب نگاشته؛ البته رویکرد او از دور ایستادن و تحلیل کردن نیست. به همین دلیل نیز به ایران رفت‌وآمد داشته و با دیپلمات‌های جمهوری اسلامی از نزدیک به گپ و گفت نشسته است. آخرین آن اواخر اردیبهشت بود که در رأس هیاتی از موسسه امور بین‌الملل نروژ (نوپی) به تهران آمد تا در سومین میزگرد مشترک با دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ایران شرکت کند. نخستین نشست مشترک از این دست ۲۰ نوامبر سال ۲۰۰۲ با حضور تعدادی از مقامات نروژی و کارشناسان دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت خارجه در تهران برگزار شد. در آخرین نشست، نماینده‌گانی از موسسه امور بین‌الملل، مدرسه بازرگانی نروژ، موسسه مطالعات دفاعی نروژ، نماینده شرکت نفتی استات اویل و همچنین کارپدار و کارشناس اقتصادی سفارت این کشور در تهران، «سور لوگارد» را همراهی می‌کردند. او و سایر شرکت‌کنندگان در دو جلسه و با محوریت بحث فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و راه‌های برون‌رفت از شرایط فعلی و نیز بحث تحریم‌های اعمال‌شده از سوی اتحادیه اروپا بر حوزه نفت و انرژی ایران و تبعات آن به بحث و تبادل نظر پرداختند. لوگارد پیش از آنکه کشور را ترک کند دعوت با «شرق» را پذیرفت و حاضر شد تا به «دست‌انداز» بیاید؛ برای گفت‌وگو در یک مسیر پردست‌انداز. البته او مزیتش به بود تا ما میزبان او، اجرا که ساعاتی پیش از ترک ایران هتل محل اقامت خود در تهران را به عنوان مکان گفت‌وگو تعیین کرد؛ تنها پس از یک تماس و بدون هیچ تشریفاتی. او هیاهوی شکل‌گرفته حول محور برنامه هسته‌ای ایران را تنها ناشی از یک نگرانی می‌داند؛ نگرانی‌ای از جانب اسرائیل. با این حال معتقد است که باید به اعلام مخالفت مقامات جمهوری اسلامی با دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای توجه شود. لوگارد به سرنوشت مذاکرات تازه ایران با گروه ۵+۱ خوشبین است اما آن را آخرین شانس برای حل و فصل این مناقشه نمی‌داند.

«سور لوگارد»، ۶۷ساله نروژی، فارغ‌التحصیل رشته علوم سیاسی از دانشگاه اسلو است. از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۶ مدیر مطالعات امنیت و خلع سلاح اروپا بود. پس از آن به عنوان رییس در موسسه تحقیقات صلح اسلو (از ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۲) منصوب شد. طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ رییس موسسه تحقیقات خلع سلاح سازمان ملل متحد بود و از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۷ ریاست موسسه امور بین‌الملل نروژ (نوپی) را بر عهده گرفت

عکس: امیر جمدی، شرق

امروز مهم است که بار دیگر بازرسی‌ها از فعالیت‌های هسته‌ای ایران از این مکان نکته‌ای است که قدرت‌های بزرگ را به نشست استانبول رساند. بسیار مهم است که در موازات این نشست ایران بار دیگر اجازه بازرسی از تاسیسات و اماکن هسته‌ای دیگر کشور را به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بدهد

■ پرونده هسته‌ای ایران طی سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد مناقشه در عرصه بین‌الملل تبدیل شده است؛ به طوری که هرازگاهی خبرهای این پرونده در یک صدر اخبار رسانه‌های معتبر جهان قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد اجماعی وجود دارد که این پرونده جایگاه خود را که در عرصه بین‌المللی حفظ کند و همواره به عنوان یک موضوع جدی مطرح باشد. به عقیده شما تا آن اندازه‌ای که تلاش شده، پرونده هسته‌ای ایران به واقع یک موضوع جدی محسوب می‌شود؟

اختلافات حول محور برنامه هسته‌ای ایران موضوع جدیدی نیست. سابقه این اختلاف به حدود ۱۰ سال پیش بازمی‌گردد و از آن زمان تاکنون نیز طرف‌های درگیر در این پرونده در یک مسیر پرفراز و نشیب به حرکت خود ادامه داده‌اند به طوری که گاه این موضوع خیلی مهم جلوه داده شده و البته گاهی هم به دلیل وجود مسایل مهم‌تر از جمله حملات نظامی به خصوص به عراق و افغانستان از درجه اهمیت آن کاسته شده است. با این حال طی چند سال اخیر به شکل فزاینده‌ای بر جدیت این موضوع افزوده شده است.

■ چرا در سال‌های اخیر بر جدیت موضوع پرونده هسته‌ای ایران افزوده شده است؟

دلیلش افزایش نگرانی‌ها از احتمال دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای است که با برخی شواهد از جمله استراتژی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر احتمال دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای مطرح کرد؛ نخست همانی است که نخست‌وزیر اسرائیل عیبا آن را مطرح کرده است مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی ایران در حال آمادگی برای تبدیل شدن به یک قدرت هسته‌ای در منطقه خاورمیانه و جهان است. برداشت دوم در مورد اهداف اسرائیل هم این است که آنها بلوف می‌زنند تا با طرح اتهامات جدید از این طریق ایالات متحده آمریکا را برای نزدیک‌تر شدن بیش از پیش به همراهی برای اقدام نظامی علیه ایران نزدیک کنند تا به این وسیله حداقل تا مدتی سایه تهدیدهای هسته‌ای علیه ایران را تا حدودی دور کنند. با این حال نباید این موضوع را از نظر دور کرد که در هر دو مورد هم در درون اسرائیل اختلاف نظرانی وجود دارد و مقابله با مساله هسته‌ای ایران در اسرائیل تنها در انحصار نخست‌وزیر نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل به واشنگتن بودیم تا در دیدار با باراک اوباما رییس‌جمهوری ایالات متحده اقدام به نزدیک کردن دیدگاه واشنگتن – تل آویو برای صدور مجوز برخورد نظامی با ایران کند یا این حال و چون آنکه نتانیاهو انتظار دریافت جواب چراغ سبز از آمریکا را داشت، با نه قاطع واشنگتن روبه‌رو شد. اوباما در دیدار با نخست‌وزیر اسرائیل تاکید کرد که با بازدارنگی و بیشتری از سیاست‌های ویژه‌ای محسوب نمی‌شود و از اقدام نظامی علیه ایران حمایت نخواهد کرد. پس از آن نیز اوباما به منظور دستیابی به راه‌حلی صلح‌آمیز و دیپلماتیک نماینده خود را عازم استانبول کرد تا در کنار دیگر قدرت‌های بزرگ جهان به ایران وارد مذاکره و گفت‌وگو شود. بنابراین با در نظر گرفتن تمامی این موضوعات می‌توان گفت که می‌توجدید برنامه هسته‌ای ایران در عرصه جهانی یک مساله جدی است.

■ آیا با وقایعا شما فکر می‌کنید که بر اساس ادعایی که اسرائیلی‌ها دارند اسرائیل در مسیر دستیابی به تسلیحات هسته‌ای است و در این راه در حال گام برداشتن است؟

باید بگویم برخی کشورها که دارای نفوذ قابل توجهی هم در عرصه بین‌المللی هستند چنین باوری دارند که جمهوری‌اسلامی ایران علاقه‌مند به توسعه توانایی هسته‌ای خود است.

■ فکر می‌کنم باور داشتن یا اعتقاد داشتن دو بحث جداگانه است.

دقیقا همین‌طور است. بر همین اساس نیز توافقات گسترده‌ای در عرصه بین‌المللی وجود دارد مبنی بر اینکه ایران هنوز در مورد ساخت تسلیحات هسته‌ای تصمیمی قطعی اتخاذ نکرده است.

■ با وجود چنین توافقی پس چرا مباحثی درباره دستیابی به احتمالی جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شود.

مشکل اصلی اینجاست که اسرائیلی‌ها ادعا می‌کنند که می‌دانند و مطمئن هستند که ایران در مسیر دستیابی به سلاح هسته‌ای قرار دارد. یعنی اگر ایران هنوز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکرده باشد در آینده نه چندان دور می‌تواند به این توانایی برسد. این نظریه‌ای است که برخی سیاستمداران برجسته غربی به خصوص در ایالات متحده آمریکا نیز بر همین عقیده هستند.

■ اسرائیل با چه هدفی چنین ادعاهایی را مطرح می‌کند.

در حال حاضر می‌توان دو برداشت از سیاست‌های اسرائیل در مورد طرح اتهامی مبنی بر احتمال تلاش جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای مطرح کرد؛ نخست همانی است که نخست‌وزیر اسرائیلی عیبا آن را مطرح کرده است مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی ایران در حال آمادگی برای تبدیل شدن به یک قدرت هسته‌ای در منطقه خاورمیانه و جهان است. برداشت دوم در مورد اهداف اسرائیل هم این است که آنها بلوف می‌زنند تا با طرح اتهامات جدید از این طریق ایالات متحده آمریکا را برای نزدیک‌تر شدن بیش از پیش به همراهی برای اقدام نظامی علیه ایران نزدیک کنند تا به این وسیله حداقل تا مدتی سایه تهدیدهای هسته‌ای علیه ایران را تا حدودی دور کنند. با این حال نباید این موضوع را از نظر دور کرد که در هر دو مورد هم در درون اسرائیل اختلاف نظرانی وجود دارد و مقابله با مساله هسته‌ای ایران در اسرائیل تنها در انحصار نخست‌وزیر نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل به واشنگتن بودیم تا در دیدار با باراک اوباما رییس‌جمهوری ایالات متحده اقدام به نزدیک کردن دیدگاه واشنگتن – تل آویو برای صدور مجوز برخورد نظامی با ایران کند یا این حال و چون آنکه نتانیاهو انتظار دریافت جواب چراغ سبز از آمریکا را داشت، با نه قاطع واشنگتن روبه‌رو شد. اوباما در دیدار با نخست‌وزیر اسرائیل تاکید کرد که با بازدارنگی و بیشتری از سیاست‌های ویژه‌ای محسوب نمی‌شود و از اقدام نظامی علیه ایران حمایت نخواهد کرد. پس از آن نیز اوباما به منظور دستیابی به راه‌حلی صلح‌آمیز و دیپلماتیک نماینده خود را عازم استانبول کرد تا در کنار دیگر قدرت‌های بزرگ جهان به ایران وارد مذاکره و گفت‌وگو شود. بنابراین با در نظر گرفتن تمامی این موضوعات می‌توان گفت که می‌توجدید برنامه هسته‌ای ایران در عرصه جهانی یک مساله جدی است.

■ آیا وقایعا شما فکر می‌کنید که بر اساس ادعایی که اسرائیلی‌ها دارند اسرائیل در مسیر دستیابی به تسلیحات هسته‌ای است و در این راه در حال گام برداشتن است؟

باید بگویم برخی کشورها که دارای نفوذ قابل توجهی هم در عرصه بین‌المللی هستند چنین باوری دارند که جمهوری‌اسلامی ایران علاقه‌مند به توسعه توانایی هسته‌ای خود است.

■ فکر می‌کنم باور داشتن یا اعتقاد داشتن دو بحث جداگانه است.

دقیقا همین‌طور است. بر همین اساس نیز توافقات گسترده‌ای وجود دارد مبنی بر اینکه ایران هنوز در مورد ساخت تسلیحات هسته‌ای تصمیمی قطعی اتخاذ نکرده است.

■ با وجود چنین توافقی پس چرا مباحثی درباره دستیابی به احتمالی جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شود.

مشکل اصلی اینجاست که اسرائیلی‌ها ادعا می‌کنند که می‌دانند و مطمئن هستند که ایران در مسیر دستیابی به سلاح هسته‌ای قرار دارد. یعنی اگر ایران هنوز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکرده باشد در آینده نه چندان دور می‌تواند به این توانایی برسد. این نظریه‌ای است که برخی سیاستمداران برجسته غربی به خصوص در ایالات متحده آمریکا نیز بر همین عقیده هستند.

■ اسرائیل با چه هدفی چنین ادعاهایی را مطرح می‌کند.

در حال حاضر می‌توان دو برداشت از سیاست‌های اسرائیل در مورد طرح اتهامی مبنی بر احتمال تلاش جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای مطرح کرد؛ نخست همانی است که نخست‌وزیر اسرائیلی عیبا آن را مطرح کرده است مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی ایران در حال آمادگی برای تبدیل شدن به یک قدرت هسته‌ای در منطقه خاورمیانه و جهان است. برداشت دوم در مورد اهداف اسرائیل هم این است که آنها بلوف می‌زنند تا با طرح اتهامات جدید از این طریق ایالات متحده آمریکا را برای نزدیک‌تر شدن بیش از پیش به همراهی برای اقدام نظامی علیه ایران نزدیک کنند تا به این وسیله حداقل تا مدتی سایه تهدیدهای هسته‌ای علیه ایران را تا حدودی دور کنند. با این حال نباید این موضوع را از نظر دور کرد که در هر دو مورد هم در درون اسرائیل اختلاف نظرانی وجود دارد و مقابله با مساله هسته‌ای ایران در اسرائیل تنها در انحصار نخست‌وزیر نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل به واشنگتن بودیم تا در دیدار با باراک اوباما رییس‌جمهوری ایالات متحده اقدام به نزدیک کردن دیدگاه واشنگتن – تل آویو برای صدور مجوز برخورد نظامی با ایران کند یا این حال و چون آنکه نتانیاهو انتظار دریافت جواب چراغ سبز از آمریکا را داشت، با نه قاطع واشنگتن روبه‌رو شد. اوباما در دیدار با نخست‌وزیر اسرائیل تاکید کرد که با بازدارنگی و بیشتری از سیاست‌های ویژه‌ای محسوب نمی‌شود و از اقدام نظامی علیه ایران حمایت نخواهد کرد. پس از آن نیز اوباما به منظور دستیابی به راه‌حلی صلح‌آمیز و دیپلماتیک نماینده خود را عازم استانبول کرد تا در کنار دیگر قدرت‌های بزرگ جهان به ایران وارد مذاکره و گفت‌وگو شود. بنابراین با در نظر گرفتن تمامی این موضوعات می‌توان گفت که می‌توجدید برنامه هسته‌ای ایران در عرصه جهانی یک مساله جدی است.

■ چرا در سال‌های اخیر بر جدیت موضوع پرونده هسته‌ای ایران افزوده شده است؟

دلیلش افزایش نگرانی‌ها از احتمال دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای است که با برخی شواهد از جمله استراتژی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر احتمال دستیابی ایران